

بازار و منافع گسترده آموزش عالی در ابعاد فردی و اجتماعی در نظام آموزشی ایران

دکتر روح‌اله باقری مجد^۱، دکتر میرسید عباس‌زاده^۲، دکتر محمد حسنی^۳
دکتر یداله مهرعلیزاده^۴، دکتر ابراهیم صالحی عمران^۵

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۲۰

تاریخ وصول: ۹۷/۷/۲۶

چکیده:

هدف تحقیق حاضر تحلیل اثرات بازار و منافع گسترده آموزش عالی در ابعاد فردی و اجتماعی در نظام آموزش ایران بوده است. روش تحقیق از نوع توصیفی همبستگی بوده است. جامعه تحقیق اعضای هیأت علمی ۵ دانشگاه کشور و نمونه بر اساس تصادفی طبقه‌ای ۲۶۳ نفر بوده است. ابزار تحقیق برگرفته از ترکیبی از شاخص‌های سیاست‌های کلی اسناد بالادستی مدل کسب و کار لندن (۲۰۱۳)، و با روایی تأییدی و پایایی بالا، بوده است. روش تحلیل با استفاده از نرم‌افزار PLS، معادلات ساختاری بوده است. نتایج حاکی از اثر مثبت و معنی‌دار مؤلفه‌ی بازاری - فردی بر غیر بازاری - فردی، غیر بازاری اجتماعی و بازاری - اجتماعی به صورت مستقیم بوده است، همچنین بازاری - اجتماعی بر غیر بازاری - اجتماعی و غیر بازاری - فردی اثر مستقیم داشته است. از طرفی بازاری - فردی بر غیر بازاری - اجتماعی و غیر بازاری - فردی اثر غیر مستقیم داشته است.

مفاهیم کلیدی: بازاری - اجتماعی، بازاری - فردی، غیر بازاری - اجتماعی، غیر بازاری - فردی

^۱ استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان ایران (نویسنده مسئول) r_bagherimajd@ped.usb.ac.ir

^۲ استاد گروه مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران m.abbaszadeh@urmia.ac.ir

^۳ استاد گروه مدیریت آموزشی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران m.hassani@urmia.ac.ir

^۴ استاد گروه مدیریت آموزشی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز ایران mehralizadeh_y@scu.ac.ir

^۵ استاد گروه مدیریت آموزشی دانشگاه مازندران، مازندران ایران edpes60@hotmail.com

مقدمه و بیان مسأله

آموزش عالی محور اصلی توسعه و همچنین محل تولید و انباشت دانش و ابزار اصلی انتقال میراث فرهنگی شمرده می‌شود. در واقع، آموزش عالی از ارکان اصلی تضمین وحدت‌آفرینی می‌باشد. سیاست ایجاد وحدت، انسجام و همگونی به نظام سیاسی و دولت خاصی محدود نمی‌شود و با توجه به اینکه آموزش عالی تأمین‌کننده‌ی منافع ملی کشور است در شکل کلی خود مورد توجه دولت‌ها بوده است. آموزش عالی با جریان‌های ضد و نقیضی در جهان امروز روبروست، چنان‌که به اعتقاد صاحب‌نظران این حوزه‌ی آموزش عالی دچار وضعیت فوق پیچیدگی شده است. این رویکرد باعث شده است که آموزش عالی به‌عنوان یک نقطه‌ی کانونی که پیشرفت جوامع را در سایر زمینه‌های اقتصادی و غیر اقتصادی در ابعاد فردی و اجتماعی نیز تضمین می‌کند، توجه بسیاری را به خود جلب کند. به همین دلیل کشورها بر آن شدند تا نظام آموزش عالی خود را تا سر حد توان گسترش دهند. مسلماً اگر خواهان ارتقای کمی و کیفی آموزش عالی هستیم، هر نوع سیاست و قانون آموزشی می‌بایست مورد بررسی موشکافانه قرار گیرد تا شاهد یک نظام آموزش عالی کیفیت‌گرا، مشتری‌مدار و پاسخگو نیز باشیم.

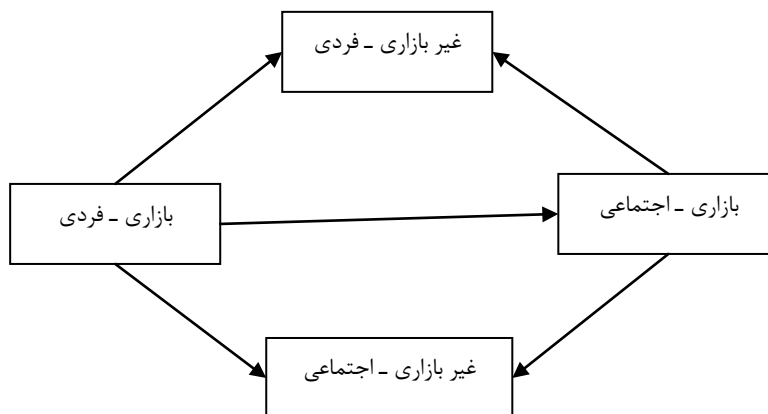
مزایای آموزش عالی برای افراد و جامعه در درآمدها و الگوهای اشتغال در آمریکا با سطوح مختلف تحصیلی متفاوت است. آنها رفتارهای مرتبط با سلامت، برنامه‌های کمک اجتماعی، مشارکت مدنی و شاخص رفاه نسل بعدی را مورد مقایسه قرار می‌دهند. مزایای مالی راحت‌تر از مزایای غیر نقدی سند می‌شوند اما دومی ممکن است برای دانشجویان در جامعه که آنها مشارکت دارند مهم‌تر باشد (Baum & et. al, 2013)؛ از طرفی اغلب مطالعات در بررسی مجموعه‌ای از داده‌ها قادر به بررسی علیت عوامل نیستند، در عوض آنها تلاش برای منزوی کردن تأثیر آموزش عالی از طریق مدل اقتصادی و آماری برای نشان دادن تغییرات دیگر عوامل هستند (BIS, 2013). اغلب مطالعات در مورد فواید وسیع‌تر تغییرات مستقیم و غیر مستقیم از یادگیری را مدنظر قرار نمی‌دهند، بلکه بر درآمد فارغ‌التحصیلان تمرکز دارند. اثرات مستقیم ممکن است از طریق کانال‌های از جمله؛ توسعه ویژگی‌های شخصیتی و مهارتی^۱، تعاملات اجتماعی^۲ و اعتباربخشی و جهت‌دهی منافع^۳ باشد. اثرات غیر مستقیم اشاره به حق بیمه و دستمزد فارغ‌التحصیلان، درآمد بالاتر

¹ development of personal characteristics and skills

² social interaction

³ accreditation and signaling benefits

و تغییر فرصت‌های در دسترس همچون محل زندگی، مصارف، هزینه‌ای رفاهی و کیفیت مسکن دارد (BIS, 2013)؛ که دپارتمان مهارت و نوآوری کسب و کار لندن (۲۰۱۳) منافع آموزش عالی را به‌طور ساده در دو بعد بازاری و غیر بازاری برای فرد و جامعه نشان می‌دهد. با توجه به اینکه کشور ما از نظر تولید علم، در بخش‌های کمی و کیفی، با معیارهای جهانی فاصله دارد، تحقیقات به معضلات مختلفی همچون؛ وضعیت نامطلوب نظام آموزش عالی ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و پایین بودن انگیزه‌ی دانشجویان در کسب دانش (Madhoshi & Niazi, 2010)، گسست الگوهای فردی و جمعی تولید دانش و شکل نگرفتن اجتماعات علمی پایدار اشاره دارند (Ghaneirad, Khosrokhavar, 2008). از طرفی برنامه‌ی چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران ۱۴۰۴ و اصل ۴۴ قانون اساسی، بندهای مختلف در حوزه‌ی فردی و اجتماعی منافع دانشگاه به‌عنوان یک نهاد علمی اثرگذار بر جامعه می‌تواند همخوان باشد. همچنین می‌توان سیاست‌های کلی اشتغال و اصلاح الگوی مصرف، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه‌ی علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی اشاره کرد. که در این بخش‌ها دانشگاه به‌عنوان نهاد فرهنگی مؤثر بر جامعه می‌تواند اثرات متفاوتی داشته باشد. لذا هدف تحقیق حاضر تحلیل اثرات بازار و منافع گسترده آموزش عالی در ابعاد فردی و اجتماعی در نظام آموزشی ایران با توجه به شکل ۱ بوده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

Fig. 1: Conceptual Research Model

مبانی نظری پژوهش

منافع آموزش عالی

دانشگاه به‌عنوان یکی از کانون‌های علم، دانش و فرهنگ که وظیفه‌اش تولید، تبیین و تعمق علم، معرفت و فرهنگ است، از مهم‌ترین مراکز تأثیرگذار بر شکل‌گیری و رشد هر تمدنی است تا بدان حد که به جرأت می‌توان ادعا کرد دانشگاه‌ها به‌عنوان ستون‌های مقاوم تمدن‌ها هستند و بدون دانشگاه‌ها هیچ تمدنی ره به جایی نخواهد برد. بنابراین ضرورت‌های عصر جدید ایجاب می‌کند باز تعریف تازه‌ای از مفهوم دانشگاه در کشورمان صورت گیرد؛ چنین دانشگاهی در عین اینکه بر دو منبع میراث اسلامی و ایرانی تکیه دارد، باید بتواند راه را برای اعتلای تمدن اسلامی - ایرانی در آینده فراهم کند (Khorramshad & Adami, 2009). دانشگاه تمدن‌ساز به لحاظ آرمانی با نگاه توأمان به تمدن ناب، اصیل و پیشرو ایرانی از یک سو و آموزه‌های تمدنی نجات‌بخش، فطری و تمام عیار اسلامی از سوی دیگر و از منظر گفتمانی با تکیه بر پیشینه‌ی درخشان و افتخارآمیز و عقبه‌ی فکری و معنوی اسلامی - ایرانی سعی در تعالی و گسترش مرزهای دانش در این مرز و بوم دارد. در تعاریف مختلفی که از این دانشگاه شده بر وجه تلفیق دانش و ارزش تأکید شده است (Eslami, 2008). دانشگاه تمدن‌ساز، دانشگاهی است که با انتقال دانش تولیدی به نسل‌های جوان به تربیت دانش‌آموختگان فرهیخته و تربیت نیروی انسانی متخصص برای جامعه می‌پردازد و از این طریق پیدایش و شکل‌گیری اندیشه‌ها و جهان‌بینی‌های نو و نهضت‌های فلسفی - اجتماعی و فضای مناسب برای برخورد و تعامل افکار را امکان‌پذیر می‌سازد (Ejtehadi, 1998). دانشگاه تمدن‌ساز دانشگاهی ارتباطی با دغدغه‌ی گسترش و تقویت ارتباطها و تعامل‌های علمی، فرهنگی، اجتماعی، میان ادیان، مکاتب فکری - فلسفی و ملت‌ها است (Khorramshad & Adami, 2009).

دانشگاه تمدن‌ساز ابزارها و اندیشه‌های ترقی‌آفرین را خلق می‌کند و می‌تواند در رشد فرهنگ، اجتماع و اقتصاد مؤثر باشد و چنانچه رسالت واقعی خود را انجام دهد و این امر مداوم باشد، می‌تواند به رشد تمدن کمک کند. لازمه‌ی ایفای این نقش، حضور شخصیت‌های نواندیش در دانشگاه و ارتباط آن با حوزه‌های مختلف اندیشه و علم و فن است (Ahmadzade, 2011). هدفی که علی‌رغم تلاش زیاد، تاکنون نتوانسته جامعه‌ی عمل بپوشاند. از این‌رو دانشگاه تمدن‌ساز دانشگاهی است توسعه‌جو که به معنای واقعی کلمه دغدغه‌ی توسعه دارد و چشم‌انداز آن توسعه‌ی متوازن و همه‌جانبه‌ی ملی و شکوفایی

فرهنگ اسلامی و ایرانی است (Khorramshad & Adami, 2009)؛ لذا با توجه به رویکردهای دانشگاه تمدن‌ساز محقق بر آن شده است که با استفاده از الگوی دپارتمان مهارت و نوآوری کسب و کار لندن (۲۰۱۳) و اسناد بالادستی در حوزه‌های مختلف علمی کشور با رویکرد ترکیبی در جهت شناخت ارتباطات هر چه بیشتر اثرات بازار و منافع گسترده‌ی آموزش عالی در ابعاد فردی و اجتماعی در دانشگاه‌های ایران اقدام نماید. این بخش تنها منافع حاصل از مشارکت را پوشش می‌دهد، به‌طوری که مزایای ناشی از بهره‌برداری پژوهشی، شرکت‌های اسپین آف، درآمد حاصل از صادرات از طریق هزینه‌های بین‌المللی دانشجویی، و دیگر جنبه‌های آموزش عالی را بحث نمی‌کند (Baum & et al, 2013; BIS, 2013).

منافع سطح فردی و اجتماعی

قبل از ورود به چهار بعد از منافع سطح فردی و اجتماعی اجازه دهید به شاخص‌های مختلفی از چهار بعد اشاره داشته باشیم تا رویکردهای فردی و اجتماعی بیشتر روشن شود. اولین بحث مربوط به اندازه‌ی تحصیلات و شغل می‌باشد. در چند دهه‌ی اخیر عرضه‌ی نسبی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به بازار کار افزایش یافته که این اتفاق در نتیجه‌ی افزایش متقاضیان ورود به دانشگاه رخ داده است که ناشی از افزایش نرخ زاد و ولد در دهه‌ی ۶۰ می‌باشد. از دیگر دلایل این افزایش عرضه می‌توان به افزایش در نسبت افرادی که خواستار تحصیلات عالی می‌باشند، اشاره کرد، که این پدیده به دلیل فوایدی که افراد از تحصیلات بیشتر کسب می‌کنند، رخ می‌دهد.

تحصیلات فرانیاز^۱ را می‌توان به‌عنوان کاهش در موقعیت اقتصادی افراد تحصیل کرده نسبت به گذشته، کمتر شدن تقدم افراد تحصیل کرده برای کسب شغل نسبت به گذشته، و یا به‌عنوان حالتی که، افراد نسبت به نیاز شغلی‌شان از تحصیلات بیشتری برخوردارند، تعبیر کرد (Rumberger, 1981). در نقطه‌ی مقابل، تحصیلات فرونیاز^۲ نیز وجود خواهد داشت که افراد، تحصیلاتی کمتر از نیاز شغلی‌شان خواهند داشت و حالت سوم، تحصیلات مورد نیاز^۳، که افراد تحصیلاتی مطابق با نیاز شغلی‌شان خواهند داشت. تحصیلات فرانیاز نتایج نامطلوبی به همراه دارد و بالقوه پدیده‌ای هزینه‌بر محسوب می‌شود؛ به‌عنوان مثال در

¹ overeducation

² undereducation

³ required education

سطح فردی، تحصیلات فرانیاز ممکن است باعث کاهش درآمد و همچنین کاهش بهره‌وری و رضایت شغلی افراد شود. در سطح اجتماعی نیز می‌تواند موجب عدم کارآیی، بیکاری پنهان و هدر رفت هزینه‌های آموزشی شود (Tsang & Levin, 1985)؛ همچنین در سطح کلان، رفاه ملی نسبت به حالتی که در آن از توانایی‌های افراد به‌صورت کامل استفاده می‌شود، در سطح پایین‌تری قرار می‌گیرد و به علاوه، ممکن است درآمدهای مالیاتی در تعلیم افراد با تحصیلات غیر مولد، اتلاف شود. (Naderi, 2008). در مطالعه‌ای، بازدهی آموزش عالی را با استفاده از داده‌های ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی خانوار استان تهران، به این نتیجه می‌رسد که آموزش برای شاغلان استان تهران، سرمایه‌گذاری پربازدهی می‌باشد و بازدهی آموزش عالی در مقایسه با سایر آموزش‌ها چشمگیرتر است (Ebrahimi, 2015) & et. al. در تحقیق خود نشان دادند بازدهی هر سال تحصیلات رسمی به‌طور متوسط ۹/۳ درصد می‌باشد و در صورت برابر بودن تحصیلات افراد، افرادی که تحصیلات فرانیاز دارند، در مقایسه با افرادی که تحصیلاتشان فرانیاز نیست، درآمد کمتری کسب می‌کنند و افراد دارای تحصیلات فرونیاز، نسبت به کسانی که تحصیلاتشان فرونیاز نیست، درآمد بیشتری کسب می‌کنند. همچنین اثر تجربه بر درآمد افراد، مثبت اما با نرخ کاهش مشاهده می‌شود و نیز مشاهده می‌شود که زنان و مجردها، درآمد کمتری نسبت به سایرین کسب می‌کنند.

Tsai (2011) آن دسته از افرادی که تحصیلات فرانیاز دارند، نسبت به کسانی که تحصیلات مورد نیاز دارند، درآمد کمتری کسب می‌کنند و افرادی که تحصیلات فرونیاز دارند، نسبت به آنهایی که تحصیلات مورد نیاز دارند درآمد، بیشتری کسب می‌کنند و بیان می‌دارد که کارگران با توانایی کمتر، احتمال فرانیاز بودن تحصیلاتشان بیشتر است. پژوهشی دیگر در این زمینه، مطالعه‌ی Verhaest & Omey (2012) در کشور بلژیک می‌باشد. با افزایش سن افراد، تحصیلات فرانیاز، کاهش می‌یابد. در انتها نیز بیان می‌دارند، در صورت برابر بودن سال‌های تحصیل، افرادی که تحصیلات فرانیاز دارند، نسبت به آنهایی که تحصیلات مورد نیاز دارند، درآمد کمتری به دست خواهند آورد، اما در صورت برابر بودن سال‌های مورد نیاز شغل، افرادی که تحصیلات فرانیاز دارند درآمد بیشتری کسب می‌کنند.

یکی از مباحث مهم دیگر گسترش حق رأی، دموکراسی و نابرابری درآمدها می‌باشد. نابرابری درآمدها یک شاخص اقتصادی و اجتماعی است که همین ویژگی دایره‌ی مطالعات راجع به آن را بسیار فراخ گردانیده است (Mehrbandi, 2015)؛ در این ارتباط که این

برابری تنها از لحاظ سیاسی است یا شامل دیگر زمینه‌ها هم می‌شود، شاید بتوان گفت که دو دیدگاه وجود دارد: یک دیدگاه معتقد است اصل برابری در نظام دموکراسی، تنها در حوزه‌ی سیاسی موضوعیت دارد و از حدود آن خارج نمی‌شود. اما قائلین به این دیدگاه این عقیده را هم دارند که برابری سیاسی محقق نمی‌شود مگر با برابری اقتصادی از جمله در توزیع ثروت‌ها، درآمدها و غیره. دیدگاه دوم بیانگر آن است که برابری می‌تواند از حدود سیاسی خارج شده و معنای درجه‌ای از برابری فرصت‌ها در همه‌ی زمینه‌ها (اقتصاد، آموزش و غیره) را به خود بگیرد (Baiat, 2002).

بررسی‌های تجربی انجام شده نشان‌دهنده‌ی رویکردهای متفاوت هستند؛ *Justman and Gradstein (1999)* بیان کردند که گسترش حق رأی در بریتانیا در اوایل دهه‌ی ۱۹۰۰، نابرابری درآمدها را کاهش داده است. *Lindert (1994)* نیز با استفاده از داده‌های ۲۱ کشور از سال ۱۸۸۰ تا ۱۹۳۰ در زمینه‌ی تأثیر دموکراسی، حق رأی زنان و جمعیت رأی‌دهندگان بر کمک‌های اجتماعی و هزینه‌های رفاهی، بهداشتی و غیره نشان داد که گسترش حق رأی زنان (به‌عنوان نمادی از دموکراتیزه شدن) تأثیر مثبت و معناداری بر کمک‌های اجتماعی داشته است. با این وجود، نتایج برآمده از پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با اثر دموکراسی بر نابرابری درآمدها چندان قطعی نیستند.

Reuveny & Li (2003) به اثر منفی و از لحاظ آماری معنادار دموکراسی بر نابرابری دست یافتند. *Mueller & Stratmann (2003)* به شواهدی از اثر مثبت دموکراسی بر نابرابری در کشورهای آمریکای لاتین دست یافتند.

Feld & et al (2010) اثر دموکراسی مستقیم بر میزان بازتوزیع با تأکید بر مخارج رفاهی و غیر رفاهی در ۲۶ کانتن^۱ سوئیس را موضوع تحقیق خود قرار دادند. آنها دریافتند که دموکراسی مستقیم اثر منفی بر مخارج رفاهی و غیر رفاهی دارد. یعنی با گسترش دموکراسی، میزان بازتوزیع در جامعه رو به نزول می‌گذارد. *Mehrabani (2015)* در تحقیق خود نشان داد هر چه حق رأی در جامعه گسترش می‌یابد و به طبقات اجتماعی فقیرتر نفوذ می‌کند، نرخ بهینه‌ی مالیاتی افزایش یافته و توزیع مجدد درآمد به سمت اقشار فقیر وسیع‌تر می‌گردد و لذا نابرابری کاهش می‌یابد. شواهد به دست آمده برای ایران حکایت از آن دارد که دموکراسی را می‌توان عاملی تعیین‌کننده در توزیع یا بازتوزیع درآمدها دانست. با توجه به مباحث مطرح شده، ارتباطات نزدیکی بین سطوح فردی و اجتماعی می‌تواند وجود داشته باشد: تمایل بیشتر به فرد، به اعتماد و تحمل دیگران،

^۱ Canton

می‌تواند سطوح بالاتری از اعتماد و انسجام اجتماعی را در سطح اجتماعی منجر شود. به‌طور مشابه، می‌توان گفت که خط تقسیم روشنی بین منافع بازاری و غیر بازاری وجود ندارد. بنابراین، برخی از مزایای و یا مطالعات معتبر می‌تواند ویژگی‌های این بخش باشد (Baum & et al, 2013; BIS, 2013).

منافع غیر بازاری برای جامعه

این بخش اطلاعاتی در مورد منافع گسترده‌تر و یا غیر بازاری مشارکت آموزش عالی برای جامعه است. این می‌تواند تمایزی که بین منافع افراد به وجود می‌آیند را مشکل نماید. مانند افزایش در یک سطحی از اعتماد افراد به دیگران و اثری که در مجموع برای جامع گسترده‌تر دارد. بنابراین ممکن است شواهد مرتبط برای سطوح فردی و اجتماعی وجود داشته باشد از طرفی کاربرد در این بخش ممکن است بین منافع فردی وقتی که به منافع اجتماعی توجه می‌شود حساسیت وجود داشته باشد در واقع مطالعه‌ی سعی بر ارائه‌ی بهترین و مناسب‌ترین صورت ممکن را داشته است.

منافع غیر بازاری برای افراد

این بخش اطلاعاتی در مورد منافع گسترده‌تر و یا غیر بازاری مشارکت آموزش عالی برای افراد است. همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد، بسیاری از این منافع سطح فردی می‌تواند تأثیر بر روی جامعه‌ی گسترده‌تر داشته باشد. به‌طور کل مطالعات تمایل برای تمرکز بر منافع سطح فردی به‌ویژه زمینه‌ی سلامت دارند، بنابراین علاوه بر مسائل مربوط به سلامت در گزارش سعی شده است به مطالعات جدید و قدرتمند اشاره شود.

منافع بازاری برای جامعه

این بخش اطلاعات در مورد مزایای بازاری مشارکت آموزش عالی برای جامعه است. همچون منافع غیر بازاری تشخیص تمایز بین منفعی که برای افراد وجود دارد سخت است، مانند افزایش بهره‌وری فردی و اثراتی که به صورت جمعی برای جامعه‌ی گسترده‌تر دارد. بنابراین شواهد مربوط در سطح فردی یا اجتماعی ممکن است وجود داشته باشد، که نسبتاً مطالعات مشابه و یافته‌های دوباره ارائه کردند. ما به‌طور کل یک مطالعه که بهترین به نظر آید ارائه کردیم. ممکن است حساسیت به منافع فردی مشابه، وقتی که منافع اجتماعی مد نظر است، وجود داشته باشد.

منافع بازاری برای افراد

این بخش اطلاعاتی درباره‌ی منافع بازاری مشارکت آموزش عالی برای افراد ارائه می‌کند. همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد بسیاری از این منافع سطح فردی می‌تواند تأثیر بر جامعه‌ی گسترده‌تر داشته باشد. مطالعات بسیاری در مورد فواید درآمد بر افراد متمرکز است، هر چند این به روشنی به مسائلی مانند احتمال اشتغال و بهره‌وری در ارتباط است (BIS, 2013).

پیشینه پژوهش**الف) تحقیقات داخلی**

Azadarmaki & et. al. (2012) در تحقیقی به عنوان الگوی پیشرفت ایرانی - اسلامی با تأکید بر شاخص‌های آموزش و بهداشت، میزان پوشش تحصیلی در حال حاضر به ۹۵ درصد رسیده است وضعیت بهداشت در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی موجب افزایش قابل توجه امید به زندگی شده است.

Serajzade & Feizi (2007) با آنکه مواد مخدر سنتی و مشروبات الکلی در حد قابل ملاحظه‌ای در دسترس دانشجویان است، میزان مصرف و اعتیاد در میان آنان پایین است. همچنین الگوی مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی در بین گروه‌های سنی، جنسی، پایگاهی و قومیتی تفاوت‌های وجود دارد.

Masnavi & et. al. (2005) در تحقیق خود نشان دادند، بین شرایط خوابگاهی و شرایط خانوادگی و شرایط جامعه و رفتار انحرافی در خوابگاه‌های دانشجویی رابطه وجود دارد.

ب) تحقیقات خارجی

در تحقیق *Borgonovi (2012)* در مطالعات اروپا نشان داده شد بیشتر افراد آموزش دیده عموماً بیشتر قابل اعتمادند و بیشتر تحمل می‌کنند نسبت به مهاجرانی که از نظر آموزش فقیرند که پی‌آیند مفیدی برای جامعه به‌طور کل می‌باشد.

Keler (2006) در تحقیق خود تحت عنوان ابتدایی، متوسطه و آموزش عالی و اثرات آن بر رشد اقتصادی، آموزش عالی را به‌عنوان بزرگترین واحد تعیین‌کننده‌ی دموکراسی در کشورهای عضو *OECD* دانست.

Blanden (2010) در تحقیقی تحت عنوان تداوم بین‌نسلی و طبقه‌ی اجتماعی، محاسبه شده است که حدود ۲۰ درصد از تداوم، تا چه حد یک کودک همان وضعیت کلاس یا درآمد از پدر و مادر خود را به ارث می‌برد این برای ۱۶ مدرک اختصاصی حساب شد که حدود نیمی از آن تداوم را نشان داده است.

Feinstein & et. al. (2008) نشان دادند افراد تحصیل کرده به احتمال بیشتری در ارتباطات شبکه‌های اجتماعی شرکت می‌کنند به‌عنوان نمونه شرکت در یک سازمان خیریه به‌صورت داوطلبانه و مشارکت در دولت‌های محلی.

OECD (2011) در تحقیقی نشان داد دانشجویان به احتمال زیاد بیشتر برای رأی دادن انتخاباتی شرکت می‌کنند، ۶۱ درصد از بزرگسالان بدون سطوح آموزش در انتخابات انگلستان شرکت کردند اما این رقم به ۸۱ درصد در میان کسانی که دارای درجه‌ی تحصیلی بودند.

Brand (2010) در مطالعات ایالات متحده نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۶، ۹ درصد از فارغ‌التحصیلان در مقایسه با ۴ درصد از غیر فارغ‌التحصیلان برای سازمان‌های خیریه یا گروه رفاه اجتماعی داوطلب شدند *Borgonovi & Miyamoto (2010)* مطالعه‌ی *OECD* نشان داد که سطوح بالاتر آموزش اثر مثبت بر روی حیطه‌های مختلف شهروندی داشته است اما به‌طور ویژه نگرش مثبت نسبت به مهاجرت را تحت تأثیر قرار داد. *OECD (2011)* نشان داد فارغ‌التحصیلان می‌توانند انتظار برای زندگی حدود ۸ سال بیشتر از کسانی که با سطوح پایین‌تر از آموزش را دارا هستند، باشند *Kuntsche & et. al. (2004)* در تحقیقات از هلند نشان داد کسانی که با سطح پایین‌تر از مدرک تحصیلی هستند، ۳ برابر بیشتر احتمال دارد برای شروع مصرف بیش از حد الکل از کسانی که با مدرک دانشگاهی بودند، دچار شوند.

Currie & Moretti (2003) در ایالات متحده احتمال سیگار کشیدن در دوران بارداری، مشخص شد که کاهش نقاط ۵/۸ درصدی با دو سال آموزش دانشگاه دیده شده است. *Bynner (2003)* فارغ‌التحصیلان بین ۷۰ تا ۸۰ بیشتر احتمال دارد سلامتی عالی را در مقایسه با یک فرد مشابه تحصیل کرده ۲ سطح پایین‌تر و یا زیر آن است گزارش دهند. *Walker & Zhu (2013)* در تحقیقی به‌عنوان تأثیر درجه‌ی دانشگاهی در چرخه‌ی درآمد، خالص مزایای زندگی کاری به‌عنوان یک نتیجه از درآمد افراد در دو سطح مردان با ۲۶۰۰۰۰ دلار و زنان با ۳۱۵۰۰۰ دلار تخمین زده شده است.

(2013) BIS شرکت‌هایی که نوآورانه هستند نسبت بالاتری از نیروی کار خود را از میان فارغ‌التحصیلان انتخاب می‌کنند در مقایسه با کسانی که شرکت آنها تازه به خدمت نوآورانه اقدام کرده است. در حدود ۵ درصد از نیروی کار از فارغ‌التحصیلان علمی و بیشتر از ۸ درصد از گروه‌های دیگر هستند در مقابل شرکت‌های تازه به دوران رسیده ۱ تا ۳ درصد بوده است. (2010) Hermansson تأثیر فارغ‌التحصیلان در اقتصاد منطقه‌ای بزرگ‌تر از تأثیر مخارج دانشگاه زمانی که بر اساس مقایسه در نظر گرفته شده است.

(2005) Galindo-Rueda & Haskel بهره‌وری در شرکت ۳۰ درصد بالاتر تخمین زده می‌شود اگر کل نیروی کار دارای یک درجه باشند. (2009) McMahan در تحقیقی به‌عنوان آموزش عالی، سودمندی بالاتر: مزایای خصوصی و اجتماعی از آموزش عالی، به منافع شخصی غیر بازاری (از جمله سلامت، عمر طولانی، رشد شناختی کودک) و اجتماعی بیرونی (از جمله دموکراسی، نگرش و کاهش هزینه‌ی دولت در سلامت) به مبلغ بیش از متوسط حق دستمزد بیمه‌ی فارغ‌التحصیل دست یافتند.

(2013) Walker & Zhu در تحقیقی به‌عنوان تأثیر درجه‌ی دانشگاهی در چرخه‌ی درآمد، حق بیمه‌ی عمر برای مردان را ۱۶۸۰۰۰۰ دلار و برای زنان ۲۵۲۰۰۰ دلار برآورد کردند. (2007) Hogarth & et. al. در تحقیق خود به‌عنوان کارفرما و تعامل دانشگاه در استفاده و توسعه‌ی مهارت‌های سطح تحصیلات تکمیلی، کارفرمایان به فارغ‌التحصیلان ارزش می‌نهند زیرا آنها؛ چگونگی انجام کارها را از دیدگاه‌های مختلف، با استفاده از ابتکار عمل خود و عدم انتظار برای آموزش، حل مساله و انعطاف‌پذیری و جذب سریع دانش برای ایده و انرژی جدید، تغییر می‌دهند. (2006) Bloom & et. al. در تحقیقی تحت عنوان فراتر از افزایش خصوصی: منافع عمومی آموزش عالی، افراد با سطوح بالاتری از آموزش، سطوح بالاتری از فعالیت‌های کارآفرینی را دارند.

فرضیات پژوهش

- ۱- منافع بازاری - فردی آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - فردی اثر دارد.
- ۲- منافع بازاری - فردی آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - اجتماعی اثر دارد.
- ۳- منافع بازاری - فردی آموزش عالی بر منافع بازاری - اجتماعی اثر دارد.
- ۴- منافع بازاری - اجتماعی آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - اجتماعی اثر دارد.
- ۵- منافع بازاری - اجتماعی آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - فردی اثر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش اجرای پژوهش توصیفی و طرح پژوهش همبستگی بوده است. جامعه‌ی تحقیق، اعضاء هیأت علمی ۵ دانشگاه کشور از جمله ارومیه، تهران، چمران اهواز، فردوسی مشهد و مازندران بوده است که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و تعداد نمونه ۳۴۶ نفری با توجه به جدول مورگان انتخاب شدند و میزان بازگشت پرسشنامه ۲۶۳ عدد بالاتر از ۰/۷۰ بوده است. ابزار تحقیق، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته با ترکیبی از شاخص‌های برگرفته از سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و برنامه‌ی چشم‌انداز ۱۴۰۴، سیاست‌های کلی اشتغال و اصلاح الگوی مصرف و سیاست‌های نظام برای رشد و توسعه‌ی علمی و تحقیقاتی در نظام آموزشی ایران و مدل کسب و کار لندن (BIS)، با ۳۵ گویه و بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. این ابزار، شامل چهار خرده مقیاس بازاری - اجتماعی، بازاری - فردی، غیر بازاری - اجتماعی و غیر بازاری - فردی است. ضریب آلفای کرونباخ این ابزار در پژوهش حاضر به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۸، ۰/۹۴ و ۰/۹۲ به دست آمد. علاوه بر آن، به منظور تعیین اعتبار سازه ابزار از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شده است؛ که شاخص‌های برازش به دست آمده در بخش یافته‌ها، نشانگر برازش مناسب داده‌ها با مدل اندازه‌گیری می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار SPSS و PLS (به دلیل عدم ابزارهای اندازه‌گیری جا افتاده و کشف روابط موجود در داده‌ها (Chin & et al, 2003) و تحلیل معادلات ساختاری بوده است.

یافته‌های پژوهش

بررسی و آزمون مدل ساختاری

مدل ساختاری PLS و فرضیه‌های پژوهش از طریق ضرایب مسیر (Beta)، و ارزش‌های R^2 و Q^2 امکان‌پذیر است؛ همچنین از روش بوت استراپ (با ۲۰۰ زیر نمونه) برای محاسبه مقادیر آماره‌ی t جهت تعیین معناداری ضرایب مسیر استفاده شد؛ و نیز مقادیر Q^2 مربوط به آزمون ارتباط پیش‌بین برای سازه‌های درون‌زاد مدل می‌باشد. با توجه به جدول ۱، اکثر بارهای عاملی بالای ۰/۵۰ به دست آمده است. از طرفی CR و AVE و آلفای کرونباخ نشان‌دهنده‌ی اعتبار کافی سازه‌ها می‌باشد. در ادامه‌ی جدول ۲ ماتریس همبستگی بین سازه‌های پژوهش و جذر میانگین واریانس استخراج شده ارائه شده است.

جدول ۱: بررسی اعتبار سازه‌های پژوهش

Table 1: Investigating the Validity of Research Variables

بار عاملی	منافع بازاری - فردی	بار عاملی	منافع غیر بازاری - فردی	بار عاملی	منافع بازاری - اجتماعی	بار عاملی	منافع غیر بازاری - اجتماعی
Factor loading	Market-individual benefits	Factor loading	Non-market-individual benefits	Factor loading	Market-social benefits	Factor loading	Non-market-social benefits
0/84	درآمد بالاتر	0/82	گرایش بیشتر به رأی دادن	0/73	افزایش درآمدهای مالیاتی	0/86	جرم و جنایت کمتر
0/76	کمتر قرار گرفتن در معرض بیکاری	0/69	گرایش بیشتر به اعتماد و تحمل دیگران	0/88	رشد اقتصادی سریع‌تر	0/88	انسجام اجتماعی بیشتر، اعتماد و تحمل
0/87	افزایش اشتغال و توسعه مهارت	0/73	گرایش کمتر به ارتکاب (غیر خشونت‌آمیز) جرم و جنایت	0/89	انعطاف بازار کار و نوآوری بیشتر	0/76	ثبات سیاسی
		0/81	گرایش بیشتر به داوطلب شدن	0/88	افزایش بهره‌وری همکاران	0/89	تحرك اجتماعی بیشتر
0/85	افزایش فعالیت‌های کارآفرینی و بهره‌وری	0/82	والدین آموزشی بهتر	0/66	کاهش بار بر روی امور مالی عمومی از هماهنگی بین نواحی راهبردی همچون بهداشت و پیشگیری جرم و جنایت	0/88	بسترسازی فرهنگی برای پذیرش اعمال حاکمیت به جای اعمال تصدی توسط دولت
		0/89	امید به زندگی طولانی‌تر	0/76	آماده کردن جامعه برای پذیرفتن تغییرات ساختاری در اقتصاد ملی	0/89	سرمایه‌ی اجتماعی بزرگتر
0/68	اشاعه‌ی فرهنگ رقابت سالم و مقابله با رفتارهای اقتصادی انحصار‌گرایانه	0/57	احتمال کمتر به استعمال مواد مخدر و مشروبات	0/71	ترغیب و تسهیل دسترسی یکسان افراد جامعه به اطلاعات اقتصادی و فراهم نمودن فرصت‌های عادلانه برای همگان	0/63	گسترش و ترویج روحیه‌ی مشارکت و فرهنگ تعاون بین مردم

منافع غیر بازاری - اجتماعی	منافع بازاری - اجتماعی	منافع غیر بازاری - فردی	منافع بازاری - فردی	منافع بازاری - اجتماعی	منافع غیر بازاری - اجتماعی	منافع بازاری - اجتماعی	منافع غیر بازاری - اجتماعی
Factor loading	Factor loading	Factor loading	Factor loading	Factor loading	Factor loading	Factor loading	Factor loading
ترویج فرهنگ توکل، قناعت، صرفه‌جویی، تحصیل مال حلال، عدم اسراف و تبذیر و فرهنگ‌سازی مصرف بهینه‌ی منابع	0/59	0/68	احتمال کمتر به چاقی (فربه شدن)	0/86	بهبود محیط کسب و کار و ارتقاء شاخص‌های آن	0/55	برقراری حمایت‌های مؤثر از بیکاران برای افزایش توانمندی‌های آنان
تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی	0/54	0/81	احتمال بیشتر در مراقبت‌های پیشگیرانه، سلامت روحی بهتر	0/31	ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی به‌عنوان ارزش اسلامی و ملی	0/55	برقراری حمایت‌های مؤثر از بیکاران برای افزایش توانمندی‌های آنان
توجه به مبانی و احیای تاریخ علمی و فرهنگی اسلام و ایران	0/62	0/73	ارتقاء و توسعه‌ی وجدان کاری و انضباط اجتماعی				
CR	0/93	0/93		0/92		0/90	
AVE	0/59	0/58		0/58		0/59	
آلفای کرانباخ	0/94	0/92		0/90		0/88	

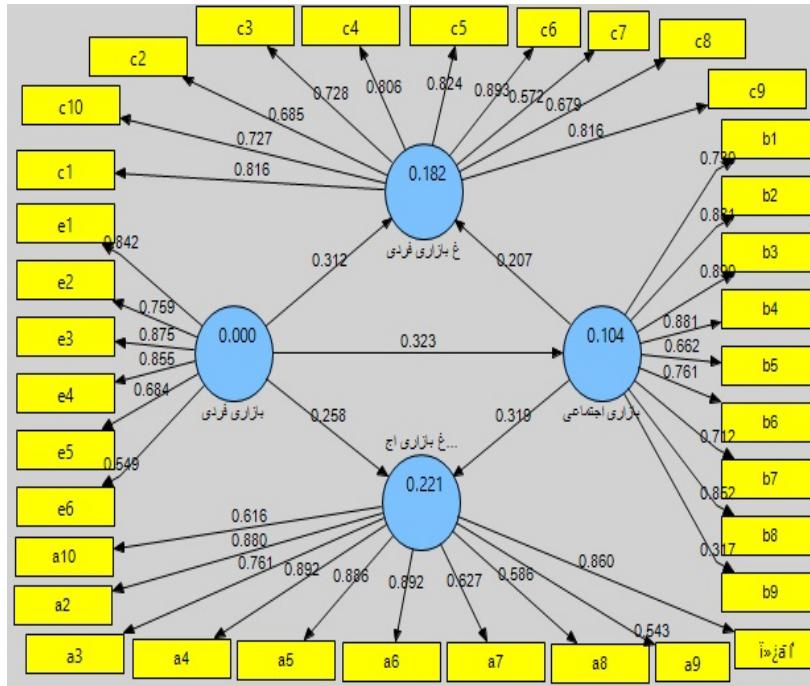
جدول ۲: میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی مؤلفه‌ها

Table 2: Mean, Standard Deviation and Component Correlation Matrix

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳	۴
Variables	Mean	Standard Deviation	1	2	3	4
بازاری فردی	3/11	0/67	0/77			
غیربازاری فردی	3/41	0/65	0/38	0/76		
بازاری اجتماعی	3/09	0/61	0/32	0/31	0/76	
غیربازاری اجتماعی	3/31	0/58	0/36	0/32	0/40	0/78
توجه: اعداد روی قطر ماتریس همبستگی، جذر میانگین واریانس استخراج شده هستند $P < 0.01$						

با توجه به جدول ۲، میانگین و انحراف معیار نشان داد، وضع موجود بالاتر از حد متوسط و پراکندگی خوب داده‌ها می‌باشد، بیشترین همبستگی بین غیر بازاری اجتماعی و بازاری اجتماعی می‌باشد؛ که کلیه روابط در سطح $0/01$ معنی‌دار هستند. برای بررسی روایی و اگرایی سازه‌ها، جذر AVE نشانگر آن است که همبستگی آن سازه با نشانگرهای خود بیشتر از همبستگی‌اش با سازه‌های دیگر است که نشانگر روایی مناسب سازه‌ها هستند.

با توجه به شکل ۲، مدل معادلات ساختاری با توجه به ضرایب استاندارد ارائه شده است. مدل با توجه به جداول و ضرایب در سطح قابل قبول برآزش شده است.



شکل ۲: مدل آزمون شده پژوهش (ضرایب استاندارد)

Figure 2: Research-Tested Model (Standard Coefficients)

جدول ۳: اثرات مستقیم، غیر مستقیم و t متغیرهای پژوهش

Table 3: Direct, Indirect Effect, T of Research Variables

مسیر	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	T	کل	واریانس تبیین شده	Q2
	Directeffect	Indirect Effect	T	Total	R2	Q2
به غیر بازاری - فردی از	0/31	0/07	6/09	0/38	0/18	0/036
بازاری - فردی	0/21		4/37	0/21		
بازاری اجتماعی						
به غیر بازاری - اجتماعی از	0/31		5/04	0/31	0/22	0/064
بازاری - اجتماعی	0/26	0/08	2/46	0/34		
بازاری - فردی						
به بازاری - اجتماعی از	0/32		4/75	0/32	0/11	0/060
بازاری - فردی						

جدول ۳ نشان‌دهنده‌ی واریانس تبیین شده متغیرهای ملاک از طریق متغیر پیش‌بین، اثرات مستقیم و غیر مستقیم می‌باشد. همچنین شاخص $Q2$ مثبت نشانگر آن است که متغیرها توانایی پیش‌بینی متغیر وابسته را دارند. شاخص برازش بخش کلی مدل آزمون شده برای نمونه‌ی مورد بررسی ۰/۳۱ که مناسب می‌باشد.

جدول ۴: شاخص برازش بخش کلی مدل اجرایی پژوهش

Table 4: The Fit Index of the General Part of the Executive Research Model

(GOF)	$\sqrt{\text{Commuality} \times R^2}$	$R^2 \times \text{Commuality}$	R^2	Average AVE
0/31		0/10	0/17	0/59

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل روابط بازار و منافع گسترده‌ی آموزش عالی در ابعاد فردی و اجتماعی بوده است. فرضیه‌ی ۱ نشان‌دهنده‌ی آن است؛ منافع بازاری - فردی

آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - فردی اثرگذار بوده است. می‌توان گفت با افزایش شرایط کارآفرینی و ایجاد مهارت‌های جدید رویکردهای غیر بازاری فردی تقویت شده و کارآمدی و سلامت بیشتری به جامعه تزریق خواهد شد. فرضیه ۲ نشان داد که، منافع بازاری - فردی آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - اجتماعی اثرگذار است. می‌توان گفت با تقویت شاخص‌های بازاری فردی در جهت تحرکات اقتصادی و ایجاد فرصت برابر و تقویت فرهنگی استفاده از تولیدات داخلی قدم‌های مثمرتری برداشت. فرضیه ۳ نشان داد که، منافع بازاری - فردی آموزش عالی بر منافع بازاری - اجتماعی اثرگذار است. به نوعی افزایش منافع بازاری فردی منجر به تعمیق شناخت به ویژه در عرصه‌ی فرهنگی اجتماعی خواهد شد. از طرفی در فرضیه ۳ نشان داده شد که، منافع بازاری - اجتماعی آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - اجتماعی اثرگذار است. این امر حاکی از آن است که تعمیق شناخت و افزایش آگاهی جامعه در حوزه‌های مختلف اجتماعی بر بهره‌وری و محیط کسب و کار می‌تواند اثرگذار باشد و منجر به تقویت ارزش‌های اسلامی شود؛ همچنین فرضیه ۵ نشان داد که، منافع بازاری - اجتماعی آموزش عالی بر منافع غیر بازاری - فردی اثرگذار بوده است که نشان از آن می‌باشد که سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی نقش مهمی در شکل‌دهی سلامت و امید به زندگی افراد در جامعه دارد.

تحقیقات در منافع آموزش عالی و اثرات متقابل به مباحثی همچون: ناکارایی فرهنگ دانشگاهی در تربیت نیروی انسانی دانشگاهی و متخصص (Fazeli, 2004). وجود داشتن رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌های دانشجویی (Masnavi & et. al., 2005). کمبود سرمایه‌ی اجتماعی در فضای علمی دانشگاه (Ghaneirad, 2006)، ضابطه‌مند نبودن تولیدات علمی در کشور (Kazemi, 2008)، رواج رفتار بزهکارانه همچون مصرف مشروبات الکلی و دیگر مواد اعتیادآور در بین دانشجویان (Serajzade & Feizi, 2007)، رواج کجروی‌های فرهنگی در میان دانشجویان (Serajzade & Babaei, 2009)، عضویت دانشجویان در جنبش‌های دینی جدید (Jafari, 2007)، افزایش سطوح درجه‌ی تحصیلی و صرفه‌جویی در کاهش هزینه‌های جرم و جنایت (Feinstein & et. al., 2008)، دانشجویان کاتالیزور برای رشد منطقه‌ای و شهری و خیابان امن‌تر و جامعه متنوع‌تر (Munro, 2010)، تفاوت درک در رفتارهای بهداشتی به وسیله‌ی آموزش (Cutler & Lleras-Muney, 2010)، احتمال استفاده از انواع مختلفی از مراقبت پیشگیرانه (Fletcher & Frisvold, 2009) و مقابله‌ی بهتر با پریشانی (Mandemakers & Monden, 2010) اشاره کردند.

منافع جهانی آموزش عالی و فعالیتهای علمی - پژوهشی شامل توسعهی اقتصادی، بالا رفتن اهمیت ارزشهای بشری در جامعه، تقویت مردمسالاری و ثبات سیاسی، روشن بینی اجتماعی و ارتقای کیفیت عمومی زندگی است. که در این مسیر دانشگاهها در جهت کمک به استقرار صلح و امنیت از طریق ترویج همکاری میان ملتها در زمینههای آموزش، علوم و فرهنگ به منظور افزایش احترام همگان به عدالت، حاکمیت قانون و حقوق بشر نقش حیاتی دارند. اگر چه ما در مباحثی همچون، سرمایهی اجتماعی بزرگتر، جرم و جنایت کمتر، انسجام اجتماعی، ترویج فرهنگ توکل و قناعت، امید به زندگی طولانی تر و ... در حد متوسط خوب عمل کردیم. اما در اجتماع علمی شاهد تعاملات ضعیف میان کارگزاران علمی در بیشتر رشتههای آموزشی و پژوهشی هستیم. این تعاملات و همکاریهای ضعیف پژوهشی و علمی می تواند تا حدودی ناشی از الگوهای آموزشی باشد، که بیانگر آن است که در حال حاضر، شیوهها و الگوی تعاملاتی و مشارکتی در اجتماع علمی با کارکردهای اصلی آن همچون رشد سریع اقتصادی، انعطاف بازار کار، ترویج و تقویت فرهنگ کار، حمایت مؤثر از بیکاران، توسعهی مهارت، ارتقا و توسعهی وجدان کاری و ... که باشد، همخوانی ندارد. در عصر جدید، نهاد آموزش که پیش از این مولد علم بود، باید نگاه خود را از افق محدود مرزهای علم فراتر ببرد، زیرا اگر عصر مدرن دوران تکامل نهادی مستقل به نام دانشگاه برای تحقق کارویژهی آموزش بود، هم اکنون این نهاد برای حفظ تأثیرگذاری خود بر جوامع انسانی راهی جز تغییر کارویژهها و گسترش محدودهی تأثیرگذاری خود ندارد. بنابراین در چنین شرایطی دانشگاهها نمی توانند تنها هدف خود را رسیدن به فناوری قرار دهند. دانشگاهها و مراکز علمی جهان در دهههای اخیر به جای پیگیری رویکرد "علم برای علم" همچنان نگرش "علم برای توسعهی فن" را دنبال می کنند. اما ملزومات عصر جدید که پیش روی بشر قرار گرفته دارد دانشگاهها را به سوی سوق خواهد داد که به معرفت، در کلیهی اشکال انسانی توجه کنند (Adami & Nasrollahi, 2007).

Refereenc:

Adami, A., & Nasrollahi, R. (2007). Civilizational University, Historical Necessity of the New Age, Document the Goals, Strategies and Programs of the Department of Cultural and Social Affairs of the Ministry of Science, Research and Technology (Five-Year Program 2006 to 2011), Tehran, Department of Cultural and Social Affairs, Ministry of Science, Research and Technology. (Persian).

Ahmadzadeh, M. H. (2011). Science, University and Civilization, documenting the goals, strategies and programs of the Department of Cultural and Social Affairs of the Ministry of Science, Research and Technology, Tehran, Department of Cultural and Social Affairs, Ministry of Science, Research and Technology. (Persian).

Azizi, N. (2008). "The Challenges and Failures of University Education in the Humanities: Reflection on Students' Views", Iranian Higher Education, 1(2), 1-20. (Persian).

Baum, S., Ma, J., & Payea, K. (2013). "Education Pay" The Benefits of Higher Education for Individuals and Society", CollegeBoard, PP1-48, available from: www.collegeboard.org.

BIS (2013). "The Benefits of Higher Education Participation for Individuals and Society: Key finding and reports the Quadrants. Department for Business", Innovation and Skills, N. 146, PP. 1-51: This publication available from: www.gov.uk/bis.

BIS (2011). "Supporting analysis for the HE White Paper. Department for Business", Innovation and Skills, N, 14, PP. 1-142. Available from: <https://www.gov.uk/government/publications/supporting-evidence-for-the-higher-education-white-paper-2011>.

Blanden, J., Gregg, P. & MacMillan, L. (2010). "Intergenerational persistence in income and social class: the

impact of within-group inequality. The Centre for Market and Public Organisation”, Cmpo Working Paper Series No. 10/230, PP1-34. Available from: <http://www.bristol.ac.uk/cmpo/publications/papers/2010/wp230.pdf>.

Bloom, D., Hartley, M. & Rosovsky, R. (2006). “Beyond private gain: the public benefits of higher education”, International Handbook of Higher Education: Springer International Handbooks of Education Vol. 18, pp 293-308. Available from: <http://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-4020-4012-2-15>.

Borgonovi, F. & Miyamoto, K. (2010). “Education and civic and social engagement- Improving Health and Social Cohesion through Education”, OECD. pp. 65-110. Available from: <http://www.oecd.org/edu/ceri/improvinghealthandsocialcohesionthrougheducation.htm>.

Borgonovi, F. (2012). “The relationship between education and levels of trust and tolerance in Europe”, The British Journal of Sociology, 63(1)146–167.

Brand, J. (2010). Civic Returns to Higher Education: A note on heterogeneous effects. Social Forces, 89 (2) 417–433.

Bynner, J. (2003). “Revisiting the benefits of higher education. Report by the Bedford Group for Lifecourse and Statistical Studies. Institute of Education”, Available from: <http://dera.ioe.ac.uk/5167/1/rd05-03.pdf>.

Conlon, G. & Patrignani, P. (2011). “The returns to higher education qualifications”, Department for Business, Innovation and Skills, 45, 1-119.

Currie, J. & Moretti, E. (2003). “Mother's Education and the Intergenerational Transmission of Human Capital: Evidence from College Openings”, The Quarterly Journal of Economics, 118(4)1495–1532.

Cutler, D. & Lleras-Muney, A. (2010). "Understanding Differences in Health Behaviours by Education", *Journal of health economics*, 29(1)1-28.

Ebrahimi, M., Gholizadeh, AA., & Alipour, A. (2015). "The Relationships between Education and Occupation in Iran: An Application of Verdugo-Verdugo Model", *QJER*, 15 (3), 195-210.

Eslami, M. (2008). *The University of Civilization A Bridge Between Knowledge and Culture*, In *Introduction to Islamic Civilization University, Theoretical Essentials*. Office of Social Planning and Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Technology, Tehran. (Persian).

European Commission (2009). *The World in 2025. Rising Asia and socio-ecological transition*. Brussels: European Commission. http://ec.europa.eu/research/socialsciences/pdf/the-world-in-2025-report_en.pdf. Accessed 31 March 2014

Fazeli, N. (2004). "A Comparative Study of Iranian and British Academic Culture: An Anthropological Study on the Causes of Inefficiency in University Education in Iran", *Anthropological Letter*, 1(3), 93-132.

Feinstein, L. & K. Duckworth (2006). *Are there effects of mothers' post-16 educations on the next generation? Effects on children's development and mothers' parenting*. Wider Benefits of Learning Research Report 19, Institute of Education, University of London. Available from: <http://www.learningbenefits.net/Publications/ResReps/ResRep19.pdf>.

Feinstein, L., Budge, D., Vorhaus, J. & Duckworth, K. (2008). *The social and personal benefits of learning: A summary of key research findings*. Centre for Research on the Wider Benefits of Learning, Institute of Education, PP1-36. Available from:

<http://www.learningbenefits.net/Publications/FlagshipPubs/Final%20WBL%20Synthesis%20Report.pdf>.

Feld, L. P., Fischer, J. A. & Gebhard, K. (2010). "The Effect of Direct Democracy on Income Redistribution: Evidence for Switzerland", *Economic Inquiry*, 48(4), 817-840.

Fletcher, J. & Frisvold, D. (2009). "Higher Education and Health Investments: Does More Schooling Affect Preventive Health Care Use?", *Journal of Human Capital*, 3(2)144-176.

Galindo-Rueda, F., & Haskel, J. (2005). Skills, Workforce Characteristics and Firm-Level Productivity: Evidence from the Matched ABI/Employer Skills Survey. *Forschungsinstitut zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor*, No, 1542, PP1-43. Available from: <http://ftp.iza.org/dp1542.pdf>.

Ghaneirad, MA., Toloo, A., & Khosrokhavar, F. (2008). "Factors, Motives and Challenges of Knowledge Production among Scientific Elites", *Journal of Science and Technology Policy*, 1(2), 71-85.

Hermansson, K. (2010). Graduates significantly enhance productivity and economic activity in Scotland. *Department of Economics, Scotland, UK*, No. 17, 1-3. Available from: <http://ewds.strath.ac.uk/Portals/8/Research%20Brief%2017.pdf>.

Hogarth, T., Winterbotham, M., Hasluck, C., Carter, K., Daniel, W.W., Green, A.E., & Morrison, J. (2007). "Employer and University Engagement in the Use and Development of Graduate Level Skills. *Institute for Employment Research University of Warwick, IFF Research Ltd*, N, 835A, PP1-112", Available from: <http://aces.shu.ac.uk/employability/resources/rr835a.pdf>.

Justman, M., & Gradstein, M. (1999). "The Industrial Revolution, Political Transition and the Decline in Inequality in 19th Century Britain", *Explorations in Economic History*, Vol. 36, pp.109-127.

Kazemi, A. (2008). "Problems with Measuring the Country's Scientific Output", *Health Information Management*, 5(2), 175-178. (Persian).

Keller. K. (2006). "Investment in Primary, Secondary, and Higher Education and the Effects on Economic Growth. *Contemporary Economic Policy*", 24(1)18-34. Available from: <http://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1093/cep/byj012/full>.

Khorramshad, M., Adami, A. (2009). "Islamic Revolution: a Civilization-building Revolution; Iranian University", *Journal of Iran Cultural Research*, 2(2), 161-188. (Persian).

Kuntsche, E., Rehm, J. & Gmel, G. (2004). "Characteristics of binge drinkers in Europe", *Social science & medicine*, 59(1) 113 – 127.

Lindert, P.H. (1994). "The Rise of Social Spending: 1880-1930", *Explorations in Economic History*, 31(1),1-37.

Madhoshi, M., & Niazi, E. (2010). "Investigating and explaining the status of Iranian higher education in the world", *Iranian Higher Education*, 2(4), 111-147. (Persian).

Mandemakers, J. & Monden, C. (2010). "Does education buffer the impact of disability on psychological distress", *Social Science & Medicine*, 71(2) 288-297.

Masnavi, A., Saam-Aram, E., Hosseini, S. A., Aghabakhshi, H., Foroufgan, M., Sadrosadat, S., & Rahgozar, M. (2006). "Students Deviant Behavior Views of Dormitories in Sites of Iran University of Medical Sciences in Tehran-2005", *Jrehab*, 6 (4) :21-25. (Persian).

McGuinness, S. (2006). "Overeducation in the Labour Market", *Journal of Economic Surveys*, 20(3): 387-418.

McMahon, W. W. (2009). "Higher Learning, Greater Good: the private and social benefits of higher education", Oxford University Press, Oxford, PP1-432.

Mehrbani, V. (2015). "Explanation of Family Instability Based on the Utility Theory", Iranian Journal of Economic research, 20(62), 109-138.

Mueller, D. C., & Thomas, S. (2003). "The Economic Effects of Democratic Participation", Journal of Public Economics, Vol. 87, pp. 2129-2155.

Munro, M. (2010). Students as catalysts for city and regional growth. Full Research Report ESRC End of Award Report, pp1-12. Available from: http://ewds.strath.ac.uk/Portals/8/ImpactReport_no4.pdf.

Naderi, A. (2008). "Comparative-Efficient Evaluation of University Education: An Appropriate Approach for the Methodological Challenges of Quality Improvement", Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education, 14 (1), 19-49. (Persian).

OECD. (2011). Education at a Glance: OECD Indicators. Available from: http://www.oecd-ilibrary.org/education/education-at-a-glance-2011_eag-2011-n;jsessionid=1ucfhfiwdqnpd.x-oecd-live-1.

OECD. (2012). Education at a Glance: OECD Indicators. PP.1-568. Available from: http://www.oecd-ilibrary.org/education/education-at-a-glance-2012_eag-2012-en.

Rafieipor, F. (2002). The obstacles to scientific development in Iran and its solutions. Tehran, Sahami Publications. (Persian)

Reuveny, R., & Li, Q. (2003). "Economic Openness, Democracy and Income Inequality: An Empirical Analysis", Comparative Political Studies, Vol. 36, No. 5, pp. 575-601.

Rumberger, R. (1981). "The rising incidence of overeducation in the U.S. labour market", Economics of Education Review, 1: 293-314.

Serajzade, H., & Feizi, I. (2007). "Drugs and Alcohol Use among Iranian Students: A Survey Study on State Non-Medical Universities", *Refahj*, 6 (25), 85-110. (Persian).

Serajzade, SH., & Babaei, M. (2009). "Violations of formal and traditional culture norms and their resistance implications: A case study of students", *Sociological Review*, 36(1), 153-178. (Persian).

Tsai, Y. (2010). "Return to overeducation: A longitudinal analysis of the U.S.", *Economics of Education Review*, 29, 606-617.

Tsang, C. & Levin, M. (1985). "The Economics of Overeducation", *Economics of Education Review* 4(2), 93-104.

Verhaest, D. and Omey, E. (2012). "Overeducation, undereducation and Earnings: Further Evidence on the Importance of Ability and Measurement Error Bias", *Journal of Labor Research*, 33(1): 76-90.

Walker, L., & Zhu, Y. (2013). The impact of university degrees on the lifecycle of earnings: some further analyses. BIS, No, 112, 1-67. Available from: <https://www.gov.uk/government/publications/university-degrees-impact-on-lifecycle-of-arnings>.

The Market and Wider Benefits of Higher Education to Individuals and Society of the Educational System in Iran

Rouhollah Bagheri Majd (Ph.D)¹, Mir SeidAbbaszadeh (Ph.D)²
Mohammad Hasani (Ph.D)³, Yadollah Mehralizadeh (Ph.D)⁴
Ebrahim Salehi Omran (Ph.D)⁵

DOI: 10.22055/qjsd.2020.15700

Abstract:

The purpose of this study was to analyze the interaction between the market and wider benefits of higher education to individuals and society of the educational system in Iran. The method used in this study was correlational. Statistical population used in this survey faculty 5 universities of the country and based on a stratified random sample of 263 people were selected. Research questionnaire was based on a combination of indicators of general policy documents and the model of business London (2013), Validity and reliability was suitable. Analysis method, was, structural equation with Using PLS software. The results indicate a significant, direct and positive effect on the non-market-individual, non-market-social and market-social by market-individual. The market-social on non-market-social and non-market-individual has a direct effect. On the other hand, the market-individual on non-market-social and non-market-individual has an indirect effect.

Key Concepts: Market-Social, Market-Individual, Non-Market-Social and Non-Market- Individual

¹ Assistan Prof. Department of Management and planning, Sistan and Bluchestan University, Zahedan, Iran, (Corresponding Author), r_bagherimajd@ped.usb.ac.ir

² Prof. Department of Educational Management, Urmia University, Urmia, Iran, m.abbaszadeh@urmia.ac.ir

³ Prof. Department of Educational Management, Urmia University, Urmia, Iran, m.hassani@urmia.ac.ir

⁴ Prof. Department of Educational Management, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran, mehralizadeh_y@scu.ac.ir

⁵ Prof. Department of Educational Management, Mazandaran University, Mazandaran, Iran, edpes60@hotmail.com



© 2019 by the authors. Licensee SCU, Ahvaz, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>).